



فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی سال سیزدهم / شماره ۳ / پاییز ۱۳۹۸
 تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۳۱
 تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۷/۲۲
 تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۰
 تاریخ انتشار: ۹۸/۰۹/۳۰

نقش و تأثیر یافته های جرم شناسی در تحول و ایجاد بخشی از مباحث خاص حقوق کیفری ایران

فواد عربی^۱ علی یوسف زاده*^۲ محمدرضا شادمانفر^۳

چکیده

جرم شناسی شاخه‌ای از علوم جنایی که با روش علمی و عینی به تحلیل علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، به هدف پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکاران، می‌پردازد. قانون‌گذار در تدوین و تصویب قوانین کیفری مرتبط و برگرفته از آموزه‌های جرم‌شناسی در زمینه تعزیرات و مجازات بازدارنده راه نفوذ داشته و تا حدودی آموزه‌های جرم‌شناسی در این‌گونه قوانین ورود کرده است. اگرچه در قوانین کیفری شکلی و ماهوی تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی را به‌وفور مشاهده می‌نماییم اما محدودیت‌هایی نیز با توجه به نوع و شیوه نظام قانون‌گذاری در کشور ما وجود دارد محدودیت‌هایی که مربوط به مجازات شرعی نظیر حدود و قصاص و دیات است. به‌عبارت‌دیگر، اگرچه دست قانون‌گذار در تدوین و تصویب قوانین کیفری مرتبط و برگرفته از آموزه‌های جرم‌شناسی در زمینه تعزیرات و حتی مجازات بازدارنده باز بوده و تا حدودی نیز آموزه‌های جرم‌شناسی در این‌گونه قوانین ورود پیدا نموده است لکن به دلیل نوعیت مجازات حدی، قصاص و دیات و شرایط اثبات و وقوع جرائم مربوطه و نیز اجرای مجازات آن‌ها، عملاً نتیجه‌گیری می‌شود که جرم‌شناسی نتوانسته و نخواهد توانست آموزه‌های خویش را بکار ببرد.

واژگان کلیدی: جرم شناسی، بزه، بزهکار، بزه دیده، حقوق کیفری

۱: دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). Ali.yousef1146@yahoo.com

۳: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

مقدمه

جرم‌شناسی و حقوق کیفری به لحاظ جنبه‌های موضوعی، ماهیتی و دیگر جهات نظیر روش‌های تحقیق و اصلاح و درمان تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند اما این تفاوت‌ها مانع ارتباط این دو رشته با یکدیگر نخواهد بود. شناخت دقیق از پدیده جنایی برای مبارزه بهتر با آن همواره سرلوحه کار جرم‌شناسی بوده، یافته‌های جرم‌شناسی سبب ایجاد تحولات شگرفی در نظام‌های حقوق کیفری بوده و این امر تداوم دارد و این تحولات را می‌توان در نمودهای بارزی نظیر جرم‌زدایی و مجازات اجتماعی نوین به‌وضوح مشاهده نمود، اگرچه این تأثیر و تأثرات یک‌سویه نیست و جرم‌شناسی نیز از راهکارها و تکنیک‌های حقوق کیفری بی‌نصیب نمانده است. نمونه این امر، استفاده جرم‌شناسی در جنبه‌های مختلف از آمارهای جنایی ارائه‌شده در حقوق کیفری است. جرم‌شناسی به معنای امروزی و به شکل جدید مجموعه‌ای از علوم مختلف شامل زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی است که از همان آغاز پیدایش، دستاوردهای ارزنده‌ای در جوامع داشته است به‌گونه‌ای که حتی تحولات حقوق جزا و سیاست کیفری و جنایی مرهون تلاش‌ها و دستاوردهای جرم‌شناسی در سراسر جهان بوده و است. علت این موضوع را می‌توان نوع نگرش و فلسفه این علم یعنی استفاده از نتایج علوم مختلف و مرتبط در بررسی علل بزهکاری و ارائه راهکارهای نوین و مناسب در مقابله با پدیده جنایی و کاهش و پیشگیری از آن دانست. آموزه‌های جرم‌شناسی در نظام حقوق کیفری جوامع غربی نفوذ بیشتری داشته است با این حال نمی‌توان از آموزه‌های مکتب انسان‌ساز اسلام و شناخت واقعی این مکتب از نیازهای انسانی و تأثیرات شگرف نظام حقوقی آن غافل ماند. قدر به یقین دین اسلام قرن‌ها پیش از پیدایش جرم‌شناسی، با نگرشی واقع‌گرایانه نسبت به مفهوم و معنای بزهکاری مقابله نموده است. نزول و کاهش تعقیب کیفری یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های تغییر در این نظام حقوقی است. از این طریق، مرکز ثقل نظام عدالت کیفری برای رویارویی، تصمیم یک‌سویه مقام قضایی نیست، بلکه، وجود نهادهای مدنی، به‌کارگیری ظرفیت‌های آنان و سهیم کردن بزهکاران در پروسه‌ی کاهش و پیشگیری از جرایم نقطه عطفی در این فرایند به حساب می‌آیند. «قانونگذار با مصلحت‌سنجی و با تأسی از سازوکارهایی مانند قضا‌زدایی و ترمیمی کردن عدالت کیفری در راستای اثر بخش‌تر کردن اقدامات نظام عدالت کیفری گام برداشته و نهادهایی مانند بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب، میانجیگری و کیفرخواست شفاهی را پیش‌بینی نموده است. در واقع، کنشگران عدالت کیفری می‌توانند با رویکردی منفعتمدار به ارزیابی همه‌جانبه تعقیب دعوی کیفری بپردازند تا در صورت مصلحت، پیگرد برخی از بزهکاران را متوقف سازند. (تقی‌پور، علیرضا و سلیمی، واحد، ۱۳۹۷: ۶۲ و ۶۳) با مطالعه و بررسی قوانین کیفری نظیر قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین موضوعه می‌توان به این مهم پی برد. هدف از این پژوهش نقش و تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی در تحول و ایجاد برخی مباحث حقوق کیفری با نگاهی به قوانین، مقررات کیفری ایران و آشنایی با دگرگونی‌های کیفری متعدد در این حوزه می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است.

فرضیه تحقیق بر این اصل استوار است که با توجه به نوع و شرایط نظام کیفری ایران، جرم‌شناسی قادر نیست به صورت جامع و مانع، آموزه‌های خویش را در عمل پیاده نماید و در عمل به‌طور جد به آموزه‌های جرم‌شناسی توجه نشده و در مقام تئوری‌سازی نیز متفکران اسلامی تلاشی درخور توجه برای نهادینه کردن و به‌روز کردن آن‌ها به عمل نیاورده‌اند.

سؤال اصلی تحقیق این است؛ آیا یافته‌های جرم‌شناسی بر حقوق کیفری ایران مؤثر بوده است؟

نقش و تأثیر جرم‌شناسی در ادله اثبات دعوا

با بررسی یافته‌های جرم‌شناسی و تأثیر آن بر تحولات تاریخی از یک‌سو تغییرات بسیار شگرف در نوع و ماهیت دلایل اثباتی و چگونگی کاربرد آن در تاریخ روشن خواهد شد. با ظهور علم جرم‌شناسی ادوار مختلف دلایل کیفری کاملاً مترقی گشت و دوران دلایل آزاد که دلیل اثبات دعوا و ارزش آن بستگی کامل به نظر حکام و رؤسای قبایل داشته و در اختیار آنان در این مورد بی‌حد و حصر بوده تعدیل گردد، (گلدوزیان، ۱۳۷۴: ۶-۷)

در امپراتوری رم و اروپای قرون وسطی، قواعد ثابتی برای اثبات وقوع جرم و انتساب آن معین شده است و قاضی مجبور است به حکم قانون‌گذار امر معین را دلیل بر وجود یا عدم امری بداند و وقوع جرم و صحت انتساب آن را منحصراً از طریق دلایل قانونی احراز کند. قاضی باید طبق دلایل پیش‌بینی شده در قانون رأی بدهد. هرچند به وقوع جرم و انتساب آن به متهم یقین نداشته باشد. (آخوندی، ۱۳۷۹: ۳۸۳) این روش هم به دلیل اعتراض شدید جرم‌شناسان و حقوقدانان، قرن‌هاست که مردود و متروک شده است. (همان: ۸۵) و نظام غالب دیگر، نظام دلایل معنوی یا نظام اقتناع وجدانی قاضی است. در این نظام یقین درونی قاضی ملاک قضاوت است و دادرس در کمال آزادی ارزش دلایل ابرازی را ارزیابی و در رد یا قبول آن‌ها مختار است و با استفاده از تمامی وسایل و امکانات کشف حقیقت ولی بر اساس اعتقاد باطنی خود رسیدگی و انشاء رأی می‌نماید. در این نوع نظام دلایل، حصول ايقان وجدان قاضی مستلزم خودمختاری بی‌حد و حصر آنان نخواهد بود و قضاوت نمی‌تواند با وجود دلایلی که عادتاً محکومیت متهم را می‌طلبد، به قانع نشدن وجدان خویش تمسک جسته و بزهکاران را از پنجه‌ی عدالت برهانند، بنابراین دوران دلایل معنوی با تأکید بر دستاوردهای دوران علمی کاملاً مورد تأیید و تأکید علم جرم‌شناسی بوده و تا حدود زیادی هم حاصل یافته‌های این علم است، اما علم جرم‌شناسی در راستای اجرایی‌تر کردن این دوره در جهت ادله اثبات دعوا نظریات خود را در قالب تفهیم اتهام، منع شکنجه برای اقرار و قائل شدن به حق سکوت برای متهم ارائه داده است، حقوق کیفری ایران حصول اقتناع وجدان قاضی را مدنظر قرار داده و قاضی را آزاد گذاشته تا برای نیل به اطمینان و اعتقاد خویش به هر نوع دلیل اثباتی توسل جوید. ماده ۱۹۴ (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸) در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قراین و امارات نیز مؤید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله‌ی دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم نموده و به ادله‌ی دیگر نیز رسیدگی می‌نماید.» بنابراین در نظام قانون‌گذاری بعد از انقلاب اسلامی با الهام از ویژگی‌های دادرسی اسلامی از قبیل حاکمیت قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» و لزوم قطع و یقین برای قاضی می‌توان گفت که روش دلایل معنوی در نظام قضایی ایران کماکان تثبیت و تسجیل گردیده است. (طاهری بجد، ۱۳۸۲: ۳۱۷)

نقش و تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی در تفهیم اتهام، منع تلقین و اغفال و اخذ آخرین دفاع

عبارت است از: «اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد» (آشوری، ۱۳۷۷: ۸۷)، این شیوه که حاصل یافته‌های علمی جرم‌شناسان است، از آن جهت ضروری است که امکان رد اتهامات وارد بر متهم را فراهم می‌سازد و تضمینات ناظر به

حقوق دفاعی وی را عملی می‌کند. در واقع با تفهیم اتهام زمینه استفاده متهم از دیگر حقوق دفاعی خود نظیر حق سکوت و معاضدت وکیل ایجاد می‌شود. نکته‌ی مهم آن است که قاضی تحقیق تنها می‌تواند درباره اتهام تفهیم شده طرح سؤال کند. نفوذ این یافته جرم‌شناسی در برخی از کشورها به قدری پیشرفت داشته است که طرح پرسش‌های خارج از موضوع اتهام تفهیم شده سبب ابطال تحقیقات مقدماتی می‌شود. (همان: ۹۸) قانون آئین دادرسی کیفری جدید ایران هم در ماده ۱۹۵ این قانون رعایت چنین حقی را در دادگاه به شرط حضور متهم لازم تلقی کرده است.

نقش و تأثیر علم جرم‌شناسی در زمینه حق سکوت برای متهم

اصل مهم دیگر، قائل شدن حق سکوت در مراحل مختلف دادرسی برای متهم است، قاضی تحقیق ملزم به اعلام حق سکوت به متهم شده است. یعنی متهم نه تنها می‌تواند سکوت اختیار کند و از پاسخ به سؤالات مقام تحقیق و رسیدگی اجتناب نماید بلکه قاضی تحقیق و ضابطان قضائی از همان آغاز ملزم به اعلام این حق به متهم شده‌اند. قانون آئین دادرسی کیفری سابق ایران در این باره حکم روشنی نداشت. ماده ۱۲ این قانون مقرر می‌داشت قاضی به متهم تذکر می‌دهد که مواظب اظهارات خود باشد. بعد از انقلاب اصل ۳۸ قانون اساسی به اعلام منع شکنجه و اجبار متهم برای اخذ اقرار بسنده کرد و در ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ هم با اعلام اینکه «... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود...» موضوع را مسکوت گذاشته بود. (امیدی، ۱۳۸۳: ۲۳۴) در واقع لزوم رعایت حق سکوت متهم از روی اختیار و عدم مشروعیت اجبار و به اظهار نظر و اقرار و شهادت علیه خود با توجه به مقررات موجود محل تردید نیست و آنچه محل مناقشه است الزام مقام تعقیب، تحقیق و رسیدگی به اعلام وجود چنین حقی است، در خصوص اینکه استناد ما در این باره که حق سکوت، ماحصل یافته‌های علم جرم‌شناسی است چه است، پاسخ را می‌توانیم چه در این باره و چه در مباحث قبلی تعریف و هدف و ماهیت و همچنین عقاید علم جرم‌شناسی و جرم‌شناسان بدانیم» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۱۸). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همگام با قوانین بسیاری از کشورها و با تبعیت از آموزه‌های علم جرم‌شناسی در ماده ۱۹۷ این حق را مورد پذیرش قرار داده است.

نقش و تأثیر علم جرم‌شناسی در زمینه منع آزادی کسب دلیل

بدین معنا که قاضی نمی‌تواند در راستای کشف جرم دست به هر اقدامی بزند و وارد حریم خصوصی افراد شود، چراکه چنین امری خود جرم‌زا بوده و نه تنها حقوق کیفری را از اصلاح و درمان مجرم به دور می‌دارد بلکه نیل به پیشگیری از جرم هم با شکست مواجه می‌شود که همگان از اهداف علم جرم‌شناسی است، بنابراین قاضی نمی‌تواند خارج از چهارچوب قانون و حقوق حقه افراد حریم خصوصی آنان را جریحه‌دار کند. این قاعده که در اصول مختلف قانون اساسی و قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است دارای پیشینه فقهی است امام صادق (ع) می‌فرماید: «*الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ*» (طبرسی، مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۸۳) قانون آئین دادرسی کیفری تفتیش و بازرسی را در صورتی مجاز دانسته که از حقوق افراد مهم‌تر باشد، به نظر می‌رسد در این خصوص مقصود حقوق افراد جامعه در مقابل حقوق یک فرد خاص است. بنابراین در ادله اثبات دعوا قاضی حق ندارد با تمسک به هر شیوه‌ای در مقام کشف جرم برآید. لذا علم جرم‌شناسی هم در نظریات مختلف جرم‌شناسان به این مطالب تأکید زیادی کرده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۳۸ تا ۶۰)

نقش و تأثیر علم جرم شناسی بر قوانین مجازات، آئین دادرسی و اجرای احکام

قانون گذار پس از انقلاب در جهت اسلامی کردن قوانین جزائی قبل از انقلاب دو گام اساسی برداشت. اول: ورود مباحث فقه جزائی اسلام یعنی حدود، قصاص و دیات به قوانین. دوم: پیراستن و تطبیق کلیات قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و نیز حقوق جزای عرفی در قالب تصویب قانون مجازات اسلامی (کلیات) مصوب ۱۳۶۱ و قوانین تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و ۱۳۷۵ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲.

الف - تأثیر جرم شناسی در قوانین کیفری

حدود: مطابق ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است». بر اساس این تعریف حدود به مجازات ثابتی گفته می شوند که توسط شارع مقدس وضع شده لذا اعتبار و ارزش خویش را از توافق همگانی و اجتماع کسب نکرده و بنابراین هیچ شخصی حق تغییر و تحریف آن ها را ندارد. البته در حال حاضر درباره اجرای مجازات حدود در زمان غیبت و توسط غیر معصوم اختلاف نظر است. (داماد، ۱۳۷۹: ۲۸۳-۲۹۳) سؤال مهم این است با توجه به خصیصه ثابت و الهی بودن حدود، آیا امکان ورود مباحث جرم شناسی علمی که محصول ذهن بشر است در آن وجود دارد یا خیر؟ پاسخ به سؤال فوق از یک منظر منفی بوده و جرم شناسی در این نظام از عملکرد محدودی برخوردار است و لذا یافته های جرم شناسی در این حیطه کاربرد ندارد و اصولاً به شخصیت بزهکار توجه نمی شود؛ از منظر دیگر، تأکید اسلام بر کاهش و از بین بردن فرصت های جرم زا به عنوان اولویت اول، ممنوعیت تجسس، ترغیب مجرم به بزه پوشی و تشویق به عدم اقرار، شرایط اثباتی مشکل در حدود (چه در باب اقرار و چه در شهادت)، پذیرش جهل به حکم در بعضی حدود، قرار دادن نهادهای رافع کیفر نظیر قاعده درء، پذیرش قاعده انکار پس از اقرار در بعضی حدود، موضوعیت داشتن اقرار عند الحاکم، ممنوعیت محاکمه غیابی و نهایتاً باز گذاشتن راه توبه برای سقوط حد، به نوعی مؤید توجه اسلام به آموزه های جرم شناسی در این قلمرو است. (صادقی، ۱۳۷۳: ۶۸) توبه از بنیادهای حقوق جزای اسلامی است امروزه، جرم شناسان معتقدند که مجازات و سزادهی مجرم، هدف مطلق نیست، بلکه وسیله ای است برای اصلاح و بازپروری و یا ارباب او. مجازات باید به گونه ای باشد که بتواند مجرم را که تخلف می کند به ضوابط آشنا و به او تعلیم دهد که لازمه زندگی جمعی، سر نهادن به مقیدات است و او ناگزیر به پیروی از اوامر و نواهی جامعه خود می باشد. حال اگر درصد مجازات مجرمی برآییم که پس از ارتکاب عمل، از کرده خویش به شدت نادم گشته، به گونه ای که دچار عذاب وجدان شده دیگر مرتکب چنین عملی نمیشود، دست به کار بیهوده ای زده ایم زیرا اعمال مجازات در واقع سالبه به انتفاء موضوع شده است. مکتب حیات بخش اسلام چنین تأسیسی را در حقوق کیفری پیش بینی نموده است و اعمال کیفر را در صورت توبه مجرم تحت شرایطی منتفی میدانند. اما شیخ الاسلامی معتقد است: «در عمل به آموزه های فوق توجه نشده و در مقام تئوری سازی نیز متفکران اسلامی تلاشی درخور توجه برای نهادینه کردن و به روز کردن آن با توجه به دستاوردهای روز جرم شناسی به عمل نیاوردند.» (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۲: ۴۸۶) در اجرای حدود نیز نمی توان از پیش زمینه های اجرای آن و پیشگیری های اجتماعی و وضعی و توازن جامعه اسلامی در ابعاد مختلف تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و پیاده کردن سیستم حقوقی غافل بود و تنها بر اجرای حدود تأکید داشت.

قصاص و دیات: قصاص مجازاتی است که به پیروی از اثر جنایت جانی و باهدف التیام بزه دیده توسط شارع تعیین شده است، امکان کیفر زدایی از طریق اخذ دیه با تراضی و نیز عفو قاتل عمد وجود دارد. قانون گذار بدین وسیله

نه تنها از حتمیت اجرای مجازات قصاص کاسته بلکه قرآن کریم هم با توصیه به عفو (فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف...) راه را برای سقوط قصاص هموار ساخته است. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ با قرار دادن مجازات تعزیری برای قاتل و جراح عمدی که به هر دلیل قصاص نشود (مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا) و نیز امکان اعمال مجازات تکمیلی نسبت به آنان (ماده ۱۹ قانون مذکور) زمینه تبعیت از آیه مذکور و تشویق مجنی علیه و اولیاء دم به عدم قصاص (عضو و نفس) را به واسطه عدم دغدغه جامعه و اولیاء دم به بلا مجازات ماندن چنین مجرمانی فراهم نموده بود. در صورت احراز ترک معروف (عفو و مصالحه مطابق آیه فوق الذکر) می توان با پیش بینی نهادهای میانجیگری متشکل از افراد فاضل جهت برقراری مصالحه میان بزهکار و بزه دیده، شفاعت و مصالحه میان بزهکار و بزه دیده با توجه به حق الناس بودن جرم و جواز عفو، راه را برای آماده سازی شرایط تحقق آیه مزبور و تلطیف روابط انسانی در این قلمرو حساس هموار ساخت. در خصوص دیات هم سمت و سو دادن این مقوله به جبران خسارت و در نتیجه جرم زدایی و کیفر زدایی، تسهیل و توسعه نهاد بیمه همگانی می تواند در جهت تحقق عدالت ترمیمی و سیاست جنائی مبتنی بر توجه به یافته های علم جرم شناسی مؤثر باشد. همین مباحث نیز با تصویب و اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عملاً ممکن و میسر است.

مجازات تعزیری: در قلمرو مجازات تعزیری با توجه به مفهوم و مبانی آن و سپردن آن به دست حکومت زمان، قانون گذار کاملاً مبسوط الیه بوده و می تواند در حجم وسیع این گونه جرائم از دستاوردهای جرم شناسی به خوبی استفاده نماید. آنچه مورد نظر جرم شناسان ایران است در موارد زیر فعلاً محقق نشده است:

۱- قانون گذار با حذف و تغییر بعضی نهادهای دارای کارکرد جرم شناسانه نظیر اعاده حیثیت؛ شروع به جرم، اجباری بودن تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال بزهکار و قائل شدن نقش و اختیار برای دادگاه در جرائم قابل گذشت (مانند ماده ۷۲۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰) به تجربیات مؤثر قوانین قبل از انقلاب در این زمینه توجهی ننموده است؛ به طوری که قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ (کلیات) به گواهی اکثر حقوقدانان قابل دفاع تر از قوانین پس از انقلاب در این زمینه بود. البته تا حدودی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل دفاع تر است.

۲- جرم انگاری متعدد اموری که در حد انحراف بوده و نیز ورود بی پروا در حوزه اخلاقیات جامعه و امور شخصی افراد که در عمل سبب ایجاد تورم کیفری و بروز آثار زیان بار آن که همواره مورد نقد جرم شناسان بوده است، گردید. وجود جرائمی همچون ولگردی، گدایی، خرید و فروش کوپن، احتکار، اعتیاد، داشتن آنتن ماهواره و... در بسیاری از قوانین جزایی فعلی و قبلی مؤید این ادعا است. بعلاوه جرم انگاری های مبهم و قابل تفسیر موسع (به ضرر متهم) نظیر جرم موضوع ماده ۶۳۸ ق.م.ا بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ (تظاهر به فعل حرام در علن)، ماده دو قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ (تحصیل مال از راه نامشروع) و غیره، از دیگر مشکلات است.

۳- تورم جرائم و نیز قرار دادن ضمانت اجرای حبس برای محکومان مالی موجب ایجاد بحران زندان در حال حاضر شده و تضعیف کارکرد بالینی و اصلاحی زندان نیز بحران فوق را تشدید و زندان را به آموزشگاه تکرار جرم تبدیل کرده است؛ (امری که کاملاً مورد مخالفت علم جرم شناسی است) در حالی که قانون گذار ایرانی (مدت ها قبل در قوانین جزایی سابق) می توانست با جرم زدایی و نیز حذف حبس برای محکومان مالی و پیش بینی جایگزین های مجازات حبس و مجازات اجتماعی نظیر جریمه های روزانه، کار عام المنفعه، رژیم های نیمه آزادی و کیفرهای پایان

نقش و تأثیر یافته های جرم شناسی ...

هفته (نظیر آنچه در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است) از بحران زندان جلوگیری نماید. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۲: ۴۹۰)

از این رو به برخی از مصادیق مجازات تعزیری و بازدارنده جهت روشن‌تر شدن مطلب می‌پردازیم:

الف: حبس

کیفرهای محدودکننده آزادی در عصر جدید یکی از مهم‌ترین ابزار دفاع جامعه در برابر تبه‌کاران و مؤثرترین وسیله برای دور نگه داشتن آنان از اجتماع بشمار می‌رود. (ر.ک. دانش، ۱۳۷۶: ۸۲) هدف از اجرای این مجازات بازسازی مجرم و تناسب دادن این مجازات با شخصیت مجرمین است. آثار مخرب مجازات حبس برای مجرمین علاوه بر آنکه دارای بار مالی بسیار زیادی برای بیت‌المال به همراه دارد (مأوی، ۱۳۸۷: ۱۸) می‌تواند خانواده‌های زندانیان را هم با مشکلات مالی و روحی مواجه کند، علم جرم‌شناسی در راستای صیانت از جامعه و حقوق زندانیان راه‌حل‌های بسیار مناسبی را در این زمینه به حقوق کیفری ارائه داده است زیرا حبس برای جامعه لازم بوده و نمی‌توان مجرمین را به حال خود رها کرد و همواره مجازات مالی بازدهی خوبی به همراه ندارند و از سوی دیگر باید مضرات مجازات حبس را به حداقل رسانید، علم جرم‌شناسی مجازات زندان را در قالب علم زندان‌ها مورد بررسی قرار داده و پیشنهاد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان برحسب شخصیت جنس، سن و نوع بزه را در قالب زندان‌های بسته، باز و نیمه‌باز پیشنهاد داده است.

فری در کتاب «جامعه‌شناسی جنائی» نگهداری محکومین حبس به مدت کم را در زندان‌ها به تشکیل سمینار بزه‌کاران تشبیه کرده و تفکیک محکومین حبس به مدت کم را از محکومین به حبس به مدت طولانی تأکید نموده و اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی درباره محکومین به حبس به مدت کم که اکثریت جمعیت کیفری را تشکیل می‌دهند، امکان‌پذیر ندانسته است (Ferri, ۱۹۷۲: ۷۷۷) همچنین کار در زندان و آموزش علمی زندانیان، ممنوعیت حبس برای اطفال و در نظر گرفتن کار در خارج از زندان یا علم‌آموزی برای آنان به جای مجازات حبس، استخدام مربیان اخلاقی و مذهبی و آموزش قرآن و حتی طرز ساخت زندان، خوابگاه‌ها، کتابخانه و... از دیگر سازوکارهای یافته‌های علم جرم‌شناسی برای بهینه‌تر کردن بازدهی مجازات حبس برای حقوق کیفری است. در ایران در آئین‌نامه زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۷۲ چنین سازوکارهایی پیش‌بینی شده بود که از جمله می‌توان به وجود روان‌پزشک ماده ۱۲۲ آئین‌نامه، آموزش حرفه‌ای زندانیان ماده ۱۴۴ آئین‌نامه، فعالیت‌های ورزشی، ماده ۱۶۹ آئین‌نامه، ایجاد زندان‌های باز، نیمه‌باز و بسته و نگهداری موقت در زندان از این قبیل می‌باشند، نکته مورد توجه نحوه اجرای این پیش‌بینی‌هاست که به نظر می‌رسد در اجرا شاهد موفقیت نبودیم و دلیل ما بازگشت مجدد زندانیان به زندان است، البته ممکن است این بازگشت به قصور نهادهای دیگر اجتماعی نیز بازگردد، اما اگر زندان به رسالت واقعی خود یعنی اصلاح بزه‌کاران برگردد تا توجه به رسالت صوری و سطحی خود یعنی محیطی برای نگهداری عده‌ای مجرم می‌تواند تا حد زیادی به اصلاح مجرمین بپردازد.

ب: شلاق

کیفر شلاق را می‌توان از زمره جرائمی دانست که مورد تأیید علم جرم‌شناسی نبوده و همواره علم جرم‌شناسی به علت خاصیت ترذیلی بودن این نوع از مجازات و به همراه داشتن خاطره بد برای مجرم تا اواخر عمر او و خاصیت اصلاح‌پذیری نداشتن برای مجرم و حتی در مواردی باعث جری‌تر شدن متهم با اجرای این نوع از مجازات می‌شود. علم جرم‌شناسی خواستار لغو مجازات شلاق تا حد امکان، از قوانین کیفری کشورهاست، از این رو تأثیر مهم یافته‌های

جرم‌شناسی در خصوص مجازات ناصحیح شلاق، قانون‌گذاری ایرانی را در سال ۱۳۴۴ برابر بند ج ماده‌واحدده نسبت به لغو مجازات شلاق از ۲۲ جرم، واداشت. به نظر می‌رسید در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخلاف قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به این مقوله بیشتر توجه شود. چراکه بازم به‌وفور شاهد این مجازات هستیم.^۱ لکن رویه سابق در قانون فعلی کماکان تداوم‌یافته و تغییرات اساسی که مدنظر جرم‌شناسان باشد، در این راستا ملاحظه نمی‌گردد.

ج: اعدام

کیفر اعدام مجازات اصلی و بدنی است که در تمام ادوار تاریخ وجود داشته و با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی محکوم، به طرق مختلف از قبیل شقه کردن، زنده‌به‌گور کردن، دهنه خمپاره گذاشتن، از مناره پرت کردن، طعمه حیوانات درنده ساختن، سوزاندن، مسموم کردن، ریختن سرب مذاب در دهان محکوم ریختن و ... اجرا شده است. جرم‌شناسان همواره مخالف مجازات اعدام بوده و بجای این اقدام، مجازات جایگزین پیشنهاد داده‌اند... (کی‌نیا، ۱۳۸۳: ۸۹)

بکاریا درباره لزوم لغو کیفر اعدام چنین استدلال می‌کند: اعدام برای حفظ اجتماع از شر تبهکارانی است که خطر تکرار جرم‌دارند و نیز برای ارعاب دیگران اجرا می‌شود به تجربه ثابت شده که شکنجه بدنی و اعدام هیچ‌وقت بشر را متنبه نکرده و درس عبرت به دیگران نداده است جامعه می‌تواند با کیفر خفیف‌تری منظور مذکور را تأمین نماید. فری هم مجازات اعدام را خلاف اصل اصلاح و تربیت و یا درمان بزهکار دانسته و معتقد است که مجازات اعدام در پیشگیری از جرم مؤثر نیست. (علی‌آبادی، ۱۳۴۳: ۳۷)

شارل لوکا در کتاب «مجازات اعدام و کیفرهای جزائی» با ارائه آمار نشان داده است که کیفر اعدام اثر ترغیبی نداشته و از وقوع جرائم پیشگیری نمی‌کند و همچنین معتقد است که آزادی فرد بالاترین موهبت الهی و غیرقابل تعویض و تجاوز است و هیچ‌کس حق ندارد فردی را از بین ببرد (هومن، ۱۳۸۳: ۵۷) غالباً بی‌رحمی در اجرای کیفر، سبب خشونت و تحریک مردم می‌گردد و کشورهای بی‌دریغ اعدام می‌کنند بیشتر دچار اغتشاش می‌شوند. بنابراین علم جرم‌شناسی به علت غیرقابل‌جبران بودن اشتباهات قضائی در این مجازات، عدم تناسب با جرم و اعتقاد به بی‌فایده‌گی در این قضیه کاملاً مخالف مجازات اعدام است و تأثیر این مخالفت‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی دانشمندان که در بالا اشاره شد تأثیرات بسزایی در حقوق کیفری کشورهای جهان داشته است. (دانش، ۱۳۸۸: ۷۶) در حقوق کیفری ایران که برای حدود ۹۵ جرم مجازات اعدام در نظر گرفته شده است (آخوندی، ۱۳۸۳: ۱۹۷) (با توجه به قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰)، تاکنون هیچ اقدامی جهت جرح و تعدیل برخی از آنان و تبدیل به مجازاتی کارآمدتر توسط متصدیان حقوق کیفری رخ نداده است.

تأثیر جرم‌شناسی در ایجاد مجازات جایگزین زندان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

از منظر جرم‌شناسی مجازات حبس به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای حقوق کیفری توفیق زیادی در کاهش ارتکاب جرائم نداشته است به‌گونه‌ای که این نوع مجازات در بسیاری از ابعاد مختلف دارای آسیب‌های جدی است. منجمله نرخ بالای جمعیت کیفری خصوصاً در ایران، عدم توسعه کمی و کیفی ندامتگاه‌ها و بازداشتگاه‌ها، ایراد صدمات جسمی و روحی و اخلاقی و بهداشتی و شغلی و خانوادگی و ...، تحمیل هزینه‌های سنگین به دولت و نهاد قضا. در این میان مجازات حبس درزمینه هدف اصلاح و بازپروری و درمان مجرمین چندان مؤثر واقع نگردیده و بالعکس در شرایط فعلی، زندان‌ها به مکان‌هایی برای یادگیری روش‌های بزهکاری به‌صورت حرفه‌ای مبدل شده

^۱ - جهت اطلاع بیشتر رک. ۶۵۲-۶۵۴-۶۶۸-۶۴۰-۶۳۸ و ... ق.م.ا.

نقش و تأثیر یافته های جرم شناسی ...

است! یکی از راهکارهای جرم شناسی در این زمینه، استفاده از مجازات جایگزین حبس است. در ایران این بحث، از سال ۱۳۷۹ به وسیله مدیران قوه قضائیه و تعدادی از دانشگاهیان باهدف تراکم زدایی جمعیت کیفری زندانها و کاهش هزینه های آن در قالب یک پیش نویس یا لایحه بنام «لایحه قانون مجازات اجتماعی» مطرح شد. هرچندکه حبس زدایی و جایگزین های حبس دارای مفهومی واحد نیستند لکن کاملاً به همدیگر وابسته هستند. با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، این نهاد جدید در مواد ۶۴ لغایت ۸۷ مورد پذیرش واقع گردید. علیرغم پیش بینی این مقوله در قانون مجازات اسلامی جدید، این نهاد در ایران نتوانسته است کارآمدی لازم را در زمینه برخی از اهداف آن نظیر حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندانها داشته و به عنوان نمونه بخشی از آن مربوط است به محدودیت هایی که در مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ مشاهده می گردد به گونه ای که نمی توان در شرایط فعلی به عنوان موضوعی که در کاهش آسیب های مجازات حبس مؤثر است، بدان اکتفا نمود! پیشنهاد اصولی آن است که تدوین کنندگان قانون رویکرد حبس زدایی را جدی تر گرفته و از اصل (حداقل تمسک) به مجازات حبس بیشتر بهره گیری نمایند.

تأثیر جرم شناسی بر آئین دادرسی کیفری و اجرای مجازات

یکی از خصوصیات مهم جرم شناسی نگاه واقع بین، کارکردی و لایه ای بودن این علم است. جرم شناسی به همه مقولات جرم اعم از مجرم، مجازات و حتی اجرای مجازات نگاهی وسیع دارد. در اجرای مجازات هم به قدری علم جرم شناسی پیشرفت داشته که به هر شیوه یافته های خود را به حقوق کیفری تحمیل کرده است و امروزه در اعم کشورها، این یافته ها در مرحله اجرای احکام وجود دارد، دستاوردهایی چون تعلیق مجازات، تخفیف یا تبدیل مجازات و آزادی مشروط، از این قبیل هستند که در حقوق کیفری ما هم وجود دارند، از این رو به بررسی دستاوردهای علم جرم شناسی و تأثیر یافته های آن می پردازیم.

الف: تعلیق اجرای مجازات

در روزگار مایکی از ابزارهای قضائی سیاست فردی کردن مجازات است. در آغاز، آنچه بیش از هر عامل اجتماعی دیگری زمینه را برای اشاعه اندیشه تعلیق فراهم ساخت محیط ناسالم زندانها و دور نگه داشتن زندانیان به خصوص محکومان بدوی از آثار سوء معاشرت با بزهکاران پیشینه دار بود. به تدریج تعلیق اجرای مجازات جایگزین مناسبی برای حبس های کوتاه مدت به شمار آمد. زیرا، زندان های کوتاه مدت نه تنها محکوم علیه را در معرض همه گونه فساد زندان قرار می داد، بلکه به دلیل کوتاهی مدت، اثر مفید و تربیتی نیز نداشت. (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۴۱) امروزه تحت تأثیر یافته های جرم شناسی تعلیق اجرای مجازات یک تدبیر ارفاقی نسبت به همه محکومان اصلاح پذیر که فاقد محکومیت کیفری مؤثرند محسوب می شود. سیاست گذاران کیفری امیدوارند که محکومان در مدت تعلیق به شوق معافیت از مجازات و آثار آن و از بیم اجرای مجازات با پیروی از دستورهای دادگاه، در اصلاح رفتار خود بکوشند.

در ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این قاعده به دو صورت تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی صورت می پذیرد، به طوری که در مورد اول مجازات محکوم علیه در مدت معین بدون اخذ تعهد و در واقع به شرط عدم ارتکاب جرم جدید معلق می شود و در مورد دوم (تعلیق مراقبتی) محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می گردد. تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، حقوق کیفری ایران در این خصوص، سیاستی بینابین داشت، یعنی گاهی تعلیق ساده و گاه مراقبتی. در ماده ۲۸ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰ الزام یا عدم الزامی مبنی بر دستور و ایجاد تعهد دادگاه برای متهم، پیش بینی نشده بود، نکته ای ای که مطرح می شد قابل تعلیق نبودن برخی جرائم در ماده ۳۰ ق. م. ا بود، چراکه اولاً عدم امکان تعلیق نبودن این جرائم مشخص نبود که به چه دلیل و منطبق با چه سیاست هایی قرار

داشت و ثانیاً اگر تعلیق مجازات می‌تواند مجرمین را در آن جرائم متنبه و بازسازی نماید، چرا باید قائل به عدم اجرای تعلیق مجازات می‌شدیم! قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این نهاد را در مواد ۴۶ لغایت ۵۵ پیش‌بینی نموده است. در این قانون مطابق ماده ۴۸ صورت‌های تعلیق ساده و مراقبتی همانند نهاد تعویق صدور حکم پیش‌بینی گردید. نکته بسیار مهم، صدور حکم و اجرای مجازات و حتی شروع به بسیاری از جرائم نظیر جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت، مخابرات و جرائم سازمان‌یافته، قاچاق و غیره ممنوع اعلام گردیده است. پیشنهاد این است که ماده مذکور اصلاح و حداقل برای مجرمین سابقه‌دار و برخی جرائم نظیر قاچاق با توجه به شرایط فعلی، این امکان پیش‌بینی گردد.

ب: تعویق صدور حکم

یکی از اهداف مهم هر نظام عدالت کیفری بازدارندگی از جرم است. به‌طور کلی بازدارندگی جنایی، به اصل پیشگیری مربوط و از دو جهت مدنظر قرار می‌گیرد. ۱: بزهکاران بالقوه را از طریق تهدید نسبت به پیامدهای جرم (بازداشت، محاکمه، محکومیت، مجازات) از ارتکاب آن منصرف کند (بازدارندگی عام) (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۲۹) ۲: بزهکار پس از تحمل کیفر مرتکب تکرار جرم نشود (بازدارندگی خاص). سیاست‌گذاران جنایی برای نیل به بازدارندگی خاص، بازپروری بزهکاران را مدنظر قرار داده‌اند. (Malley, Pat. O, Penal.2007:195).

در این رویکرد اصلاح‌گرا، نشان داده می‌شود که مجرمان خودشان قربانیان بی‌عدالتی، فقر و... در جامعه هستند. مجرمان به‌عنوان افرادی به تصویر کشیده می‌شوند که به خاطر عدم خودکنترلی، نیاز به کمک دولت دارند. اگر افراد قانون را رعایت نمی‌کنند، باید آن‌ها را به‌وسیله برنامه‌های اصلاحی همراه با مشاوره و مراقبت روان‌شناسانه با جهت‌گیری اجتماعی درمان کرد. در این دیدگاه در ابتدا بر استفاده از حبس به‌عنوان مکانی مناسب برای اجرای برنامه‌های اصلاحی و درمانی تکیه می‌کردند اما امروزه روشن شده است که نه تنها حبس نتوانسته کارکرد اصلاحی - درمانی خود را داشته باشد بلکه تبدیل به مکانی برای تشکیل خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه شده است. به همین جهت امروزه تصمیم‌گیران سیاست جنایی از راهبردها و روش‌های جدید برای بازپروری مجرمان استفاده می‌کنند. (قجاوند، ۱۳۸۹: ۲۴) راهبردهایی که بتواند تا حد امکان مجرم را از طریق حضور در جامعه و انجام تدابیر درمانی اصلاح کنند و از تکرار جرم او پیشگیری نمایند (مرادیان، ۱۳۹۴: ۱۲) تعویق صدور حکم از جمله نهادهای نوینی است که در راستای سیاست اصلاحی-درمانی است و شرایط بازپروری بزهکار را با حضور در اجتماع و در محیط خارج از زندان فراهم می‌کند. معنای اصطلاحی این نهاد از معنای لغوی خود چندان دور نیست. به این صورت که دادگاه پس از احراز مجرمیت مرتکب، در صورت وجود شرایط مقرر در قانون صدور حکم وی را برای دوره زمانی مشخصی به تأخیر می‌اندازد. قانون‌گذار جایز دانسته است که قبل از صدور حکم و تعیین کیفر، به مجرمین کم‌خطر و قابل اصلاح فرصت داده شود که با حضور در جامعه و در صورت اقتضا با اجرای دستورات مقام قضایی، خود را با هنجارهای اجتماع منطبق سازد. بنابراین، تعریفی که می‌توان ارائه کرد این است: «به تأخیر انداختن صدور حکم محکومیت برای دوره مشخص، پس از مجرم شناختن فرد مرتکب با توجه به خصوصیت جرم ارتكابی و ویژگی‌های فردی». این امر به معنای عدم صدور رأی در این مقطع دادرسی نیست، بلکه قاضی مبادرت به صدور قرار می‌کند که در آن مدت تعویق، تدابیر و دستوراتی که حسب امر دادگاه مرتکب باید رعایت کند و ضمانت اجرایی عدم رعایت آن‌ها و ارتکاب جرم جدید در مدت تعویق تصریح می‌شود.

نقش و تأثیر یافته های جرم شناسی ...

نهاد تعویق صدور حکم تا به حال در قلمرو سیاست جنایی ایران سابقه نداشته است. در نظام کیفری ایران، اصل این بوده است که قاضی پس از احراز مجرمیت مرتکب، به صدور حکم محکومیت مبادرت ورزد. اولین بارقه های توجه به نهاد تعویق صدور حکم در ماده ۲۵ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان دیده می شود؛ اما این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. این نهاد که نظر سیاست گذاران جنایی را به خود جلب کرده بود، نهایتاً در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل پنجم ذیل بخش مجازات از کتاب اول (مواد ۴۰ تا ۴۵) پیش بینی شد.

ج: تخفیف و تبدیل مجازات

موجباتی هستند که هرگاه با اوضاع و احوال وقوع جرم قرین گردد، مجازات بزهکار تخفیف می یابد، تخفیف و تبدیل مجازات، یافته هایی هستند که به منظور تأمین مصالح خاص اجتماعی از جمله پیشگیری از وقوع جرم تشریح شده اند. (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۰۶) و هرچند از میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار هیچ گاه نمی کاهد، بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزهکار در کشف جرم و یا جبران کوشش بزهکار در ترمیم آثار زیان بار و صدمات احتمالی ناشی از جرم را می تواند در پی داشته باشد.

در حقوق کیفری ایران، در قوانین متعدد کیفری سابق و لاحق، امکان اعمال این نهاد، در مقایسه با اعمال کیفیات مخفیه دیگر در اجرای مجازات، با محدودیت های کمتر قانونی برای قضات مواجه بوده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ قانون گذار با گامی مفید در بند ۳ ماده ۲۲ و بند ۵ همان ماده برای اولین بار اوضاع و احوال خاص متهم و شخصیت او را مورد توجه قرار داد، امری که در ماده ۱-۱۵۱ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی هم پیش بینی شده بود. این رویه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز کماکان تداوم داشته است.

تبدیل مجازات هم که به وضوح در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شرایط و نحوه تشریح آن بیان نشده بود اما به طور تلویحی مورد توجه قانون گذار در ماده ۲۲ قرار گرفت، اقدام بسیار مناسب تری بود که قضات حسب شخصیت متهم می توانستند از آن بهره جسته و به پیشگیری از جرم و جرم زدایی عملی کمک نمایند لکن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این نهاد با همان شرایط مربوطه و موجود در قانون سابق، جایگاهی ندارد.

د: آزادی مشروط

نهاد آزادی مشروط با کاهش حجم زندانیان، از یک طرف ضریب اصلاح بقیه زندانیان را افزایش می دهد و از طرف دیگر رفتار زندانی را به امید دستیابی به این امتیاز، اصلاح می نماید و نهایتاً زندانی برخوردار از این امتیاز را از فسادهای ناشی از زندانی شدن نجات می بخشد و در صورت وجود برنامه اصلاحی و مراقبتی، امکان اصلاح محکوم آزاد شده را تحت تعلیمات، دستورها و نظارت قاضی تا پایان مدت محکومیت فراهم می سازد. بنابراین «مبنای آزادی مشروط امکان اصلاح محکوم سریع تر از تصور قاضی است که ادامه حبس او را بیهوده می نماید. مزیت دیگر این نهاد این است که اصلاح محکوم را با احتیاطها، تضمین ها و نوعی نظارت از زرو آزادی تا ورود مجدد او به جامعه آسان می کند. لذا بعضی از جرم شناسان هم تصور می کنند که اجرای کلیه مجازات بلند مدت باید متضمن آزادی مشروط اجباری باشد.» (استفانی، ۱۳۷۷: ۸۵۸)

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ماده ۳۸ در جهت نیل به اهداف فوق در خصوص محکومینی که برای اولین بار مرتکب جرم حبس شده و لا اقل نصف مجازات را گذرانده بودند و در اجرای مجازات حسن اخلاق و متنبه شدن خود را از عدم تکرار جرم نشان می دادند، به تصویب رسید.

قانون‌گذار در ماده فوق هم‌زمان به حقوق بزه دیده نیز توجه داشت و یکی از شرایط تحقق آزادی مشروط را این می‌دانست که محکوم‌علیه تا آنجا که می‌توان از او انتظار داشت ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بود را پرداخته و یا قرار پرداخت آن را بدهد (بند ۳ ماده ۳۸ ق.م.ا). این روند در قانون مجازات اسلامی جدید با اندکی تغییرات تداوم داشته است.

و: نظام نیمه آزادی

این نظام جزئی از جایگزین‌های حبس است، به گونه‌ای که زمینه‌ی بازپروری محکومان را طی یک فرآیند قراردادی نمودن حقوق کیفری فراهم می‌سازد. به تعبیر حقوقدانان فرانسوی در نظام نیمه آزادی محکوم در طول روز و بدون نگهبان کار خود را در خارج از محیط زندان انجام می‌دهد و شب‌ها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می‌کند (پرادل، ۱۳۴:۱۳۷؛ آنسل، ۱۳۸۸:۳۱) ایشان نظام نیمه آزادی را از نظام کیفرهای پایان هفته‌ای تمییز می‌دهند که در آن «محکوم مجازات خود را به دفعات مستمر از جمعه‌شب تا صبح دوشنبه تحمل می‌کند و در روزهای کاری هفته به دنبال زندگی معمولی خود می‌رود» (آنسل، ۱۳۸۸:۳۱).

در سال ۱۸۴۰ میلادی کاپیتان ماکونوشی در جزایر نورفولک، نزدیک استرالیا، روش تدریجی را در مورد تبعیدشدگان از انگلستان اجرا کرد. زندانیانی که کار و رفتار خوب داشتند از امتیازات بیشتری برخوردار می‌شدند. کاپیتان نیروی دریایی مذکور پس از مراجعت به انگلستان، روش مذکور را در زندان‌های ایرالنده به مورد اجرا گذاشت و روش مذکور رژیم ایرالنده نامیده شد (دانش، ۱۳۶۸:۲۲۳).

مراحل روش تدریجی به این ترتیب است که در مرحله‌ی نخست که روش انفرادی است، زندانی تحت ابورنین قرار می‌گیرد. در مرحله‌ی دوم، «روش مختلط»، زندانیان روزها به‌طور دسته‌جمعی کار یا تحصیل می‌کنند و شب‌ها به‌طور انفرادی در خوابگاه به سر می‌برند. سرانجام زندانی از روش نیمه آزادی بهره‌مند می‌شود (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۶:۱۳۶) در صورت موفقیت‌آمیز بودن مراحل قبل نوبت به آزادی مشروط زندانی می‌رسد که پیش از اتمام دوره‌ی مجازات، پاداش رفتار پسندیده او خواهد بود، رفتاری که توأم با تضمیناتی است که وی برای تجدید انطباق اجتماعی خود می‌دهد، شایستگی او را برای این پاداش محرز می‌دارد و بنا بر گفته لئوته آزادی مشروط، پس از نیمه آزادی، دومین بند قبل از آزادی کامل است. روش مزبور که بین سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۸ در زندان‌های فرانسه به آزمایش گذارده شد و نتایج موفقیت‌آمیزی داشت و نظام نیمه آزادی را به‌عنوان مرحله‌ی بینابین زندان و آزادی مشروط می‌پذیرفت، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۵۸ رسمیت یافت. (ناصری، ۱۳۵۱:۵۸)

نظام نیمه آزادی علاوه بر آن‌که به‌عنوان یکی از مراحل روش فرابر یا تدریجی پذیرفته شد... بعدها در فرانسه به‌موجب قانون مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ پذیرفته شد که طبق آن دادگاه صادرکننده حکم محکومیت، در صورتی که مدت محکومیت بیش از شش ماه نباشد، می‌توانست اجرای نیمه آزادی را درباره محکوم مقرر دارد. (ناصری، ۱۳۵۱: ۶۰)

این نظام به محکوم اجازه می‌داد تا در خارج از مؤسسه زندان و بدون نظارت مداوم در شرایطی که کارگران غیر زندانی و آزاد دارند، به‌منظور ورود در آینده به جامعه یا به‌منظور مشارکت اساسی در زندگی خانوادگی خود یا به جهت اقدام درمانی، فعالیت حرفه‌ای آموزشی، فراگیری حرفه‌ای کارآموزی یا یک کار موقت داشته باشد. (جعفر زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۲۴) در فرانسه در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ به ۵۸۹۱ فرد امتیاز برخوردار از نظام نیمه آزادی

نقش و تأثیر یافته های جرم شناسی ...

اعطاشده است که در این میان، ۷۷٪ به جهت اشتغال، ۱۹٪ برای تحصیل و ۴٪ به لحاظ سایر جهات نظیر حمایت مالی از خانواده خویش مشمول این نهاد ارفاقی شده‌اند (Ruggiero et al, ۱۹۹۵: ۸۴)

پیشینه تأسیس نظام نیمه آزادی در کشور ما به آیین‌نامه اجرایی قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۴۷ برمی‌گردد که مقرر می‌داشت «در مورد اطفالی که مدت توقف آن‌ها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش ماه باشد، در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون، رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد، می‌تواند با اطلاع و پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است موافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کارکرده یا در آموزشگاهی که مورد موافقت کانون باشد تحصیل نماید و شب‌ها به کانون مراجعت کند»

متعاقباً آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۵۴ در ماده (۵۱) ضمن تصریح بر عنوان «نیمه آزادی» و با تعمیم آن نسبت به دیگر محبوسان اشعار داشت «آن عده از زندانیان که واجد شرایط اشتغال به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی خارج از زندان می‌باشند، در صورتی که در مؤسسات مذکور برای آن‌ها شغلی متناسب با استعداد و تخصص آن‌ها نباشد می‌توانند با استفاده از روش نیمه آزادی در مؤسسات خصوصی یا دولتی به کار گمارده شوند. در این صورت علاوه بر شرایط مذکور در ماده (۵۰) باید از مابقی مجازات آن‌ها بیش از یک سال باقی نمانده باشد»

پس از انقلاب اسلامی در ماده (۱۱) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نوعی محدود از نظام نیمه آزادی تحت عنوان «حبس با خدمت» پیش‌بینی شد.

دستورالعمل حبس با خدمت موضوع تبصره ماده (۱۱) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز در سال ۱۳۸۳ توسط رئیس قوه قضاییه تصویب شد. مطابق ماده (۶) این دستورالعمل «چنانچه محکومیت‌های حبس در دادنامه‌های متعدد باشد، در صورتی که مجموع مجازات حبس آن‌ها بیش از یک سال نباشد حبس با خدمت قابل اعمال است» چنانچه در حین اجرای مجازات حبس با خدمت، محکوم علیه به موجب رأی قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات یا به هر نحو دیگری از خدمت اخراج شود، یا در صورتی که نگهداری محکوم علیه در یگان یا مرکز نگهداری به علت ارتکاب تخلفات یا هر علت دیگری به تشخیص فرمانده یگان یا رئیس مرکز نگهداری به مصلحت نباشد و یا در صورت ارتکاب جرم جدید، طبق ماده (۲۹) دستورالعمل اجرایی با پیشنهاد دادستان مجری حکم و موافقت دادگاه صادرکننده حکم حبس با خدمت یا دادگاه جانشین، بقیه مجازات حبس در زندان به اجرا درمی‌آید. سرانجام با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ این موضوع طی مواد ۵۶ و ۵۷ مورد پذیرش و تصریح قانون‌گذار قرار گرفت. اقدام قانون‌گذار در پذیرش این نهاد در قانون مجازات اسلامی اقدامی مثبت و ارزنده است زیرا با اعمال این روش از یک سو محکوم علیه کیفر را تحمل می‌نماید و از سوی دیگر مضرات و زیان‌های زندان را نخواهد چشید. به عبارت دیگر این شیوه، اقدامی در راستای سیاست کاهش جمعیت کیفری (حبس زدایی) با رویکردی اصلاحی، تأمینی و تربیتی است که از اهداف مهم جرم‌شناسی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

جرم‌شناسی تاکنون به صورت مستقیم؛ یعنی تأثیر آموزه‌های آن بر پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم و یا به صورت غیرمستقیم؛ یعنی تأثیر این آموزه‌ها در تحول قوانین کیفری نقش مؤثری ایفا کرده است. در ایران جرم‌شناسی در تحولات قوانین کیفری نقش داشته و می‌توان این تأثیرات را در فرایند زمان و در طی قوانین متعدد چه قبل و چه

بعدها انقلاب اسلامی مشاهده نمود. با نگاهی به قوانین متنوع کیفری در ایران، صحت این مدعا که جرم‌شناسی در تدوین قوانین کیفری ایران علی‌الخصوص پس از انقلاب اسلامی نقشی مؤثر داشته و همواره قانون‌گذاران در تدوین قوانین کیفری توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی را ضروری دانسته‌اند اثبات خواهد کرد. اگرچه در قوانین کیفری شکلی و ماهوی تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی را به‌وفور مشاهده می‌نماییم؛ اما همان‌گونه که بیان گردید محدودیت‌هایی با توجه به نوع و شیوه نظام قانون‌گذاری در ایران وجود دارد محدودیت‌هایی که مربوط به مجازات شرعی نظیر حدود و قصاص و دیات است؛ به عبارت دیگر، اگرچه دست قانون‌گذار در تدوین و تصویب قوانین کیفری مرتبط و برگرفته از آموزه‌های جرم‌شناسی در زمینه تعزیرات و حتی مجازات بازدارنده باز بوده و تا حدودی نیز آموزه‌های جرم‌شناسی در این‌گونه قوانین ورود پیدا نموده است لکن به دلیل نوعیت مجازات حدی، قصاص و دیات و شرایط اثبات و وقوع جرائم مربوطه و نیز اجرای مجازات آن‌ها، عملاً نتیجه‌گیری می‌شود که جرم‌شناسی نمی‌تواند به‌طور تام و جامع و مانع آموزه‌های خویش را بکار ببرد. در عمل در این‌گونه جرائم به آموزه‌های فوق‌الذکر توجه نشده و در مقام تئوری سازی نیز متفکران اسلامی تلاشی درخور توجه برای نهادینه کردن و به‌روز کردن آن‌ها با توجه به دستاوردهای روز جرم‌شناسی به عمل نیاورده‌اند.

پیشنهادات: علم جرم‌شناسی در نوع نگرش به بزه و بزه‌کار و راههای مقابله با پدیده بزهکاری و غیره دارای تفاوت‌هایی با حقوق کیفری می‌باشد لکن در نهایت می‌توان اذعان کرد که یکی از اهداف غایی هر دو، حذف پدیده مجرمانه و بزه از جامعه است. تجربه نشان داده است که استفاده از آموزه‌های جرم‌شناسی در موضوعات حقوق کیفری نظیر تصویب و اجرای قوانین، راه را برای رسیدن به این هدف هموارتر نموده است. لذا در این پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- اگرچه خصوصیت اصلی مجازات‌هایی نظیر حدود و قصاص، خصیصه ثابت و الهی بودن آنهاست اما می‌توان گفت در مقام تئوری، متفکران اسلامی می‌توانند برای نهادینه کردن و به‌روز کردن آن مباحث از دستاوردهای روز جرم‌شناسی استفاده نمایند و این امر در صورتی که با ظرافت، دقت و احترام به اصول و موازین شرعی باشد عملاً مانعیتی نخواهد داشت.
- نهادینه کردن این باور که آموزه‌های جرم‌شناسی در کاهش آمار و ارقام بزهکاری، پیشگیری، اصلاح و درمان و کارآمدی دستگاههای قضایی و اجرایی و امثالهم نقش بسزایی خواهد داشت.
- توجه بیشتر به آموزه‌های جرم‌شناسی در زمینه‌های تصویب قوانین و گسترش سطح نفوذ آن در حقوق کیفری.

فهرست منابع:

منابع فارسی:

کتاب:

- قرآن کریم
- آخوندی، محمود (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۵، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری، ج ۵، چ ۳، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد، (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۱۵، تهران: سمت
- آنسل، مارک (۱۳۸۸). *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: چاپ سوم، دانشگاه تهران.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۷، تهران: میزان.
- امیدی، جلیل، (۱۳۸۳)، تفسیر قانون در حقوق جزا، تهران: انتشارات جاودانه (جنگل).
- پرادل، ژان (۱۳۷۴). *تاریخ اندیشه های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت، چاپ سوم.
- دانش، تاج زمان (۱۳۸۸). مجرم کیست و جرم شناسی چیست؟ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۲). جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران، علوم جنائی، انتشارات سمت.
- طبرسی، علی ابن حسن (۱۳۹۲) مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، ترجمه مهدی هوشمند و عبدالله محمدی، قم، دارالتقلین
- علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۴۳)، حقوق جنایی تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، جلد دوم.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۳). مبانی جرم شناسی، سه جلدی، تهران: دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۴). بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۹) قواعد فقه؛ بخش جزایی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی علی حسین، (۱۳۷۷). پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی، سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی (۱۳۹۰). دانشنامه جرم شناسی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۳)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران، پارسا، چاپ پنجم.

مجله:

- دانش، تاج زمان (۱۳۷۶). حقوق زندانیان و علم اداره زندان ها، تهران: کیهان.
- قجاوند، کاظم، (۱۳۸۹) مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس؛ مجله اصلاح و تربیت؛ شماره ۱۰۲.
- تقی پور، علیرضا و سلیمی، واحد، (۱۳۹۷)، تأثیر اندیشه های جرم شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری، مجله پژوهش نامه حقوق کیفری، شماره پیاپی ۱۷، سال نهم، شماره اول، ۶۱ تا ۸۸.
- ناصری، فرجاله، (۱۳۵۱)، روش فرابر در اجرای مجازات، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱

رساله:

- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۳) گرایش کیفی سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

لاتین:

1. Ferri, c. (1972) 'feminist criminology in australia', in n. Rafter and f. Heidensohn (eds) international perspectives in criminology: engendering a discipline, open university press, milton keynes.
2. Malley, Pat. O, Penal. (2007) 'introduction: peacemaking criminology in a world filled with conflict', in b. Maclean and d. Milovanovic (eds) new directions in critical criminology, the collective press, vancouver.
3. Ruggiero et al. (1995) 'jobs, not goals: a new agenda for youth', in l. Atkinson and s.- a. Gerull (eds) national conference on juvenile justice: conference proceedings, australian institute of criminology, canberra.

The Role and Influence of Criminological Findings on the Evolution and Creation of Some Special Issues in Iranian Criminal Law

Ali Yousefzadeh, Foad Arabi & Mohammad-Reza Shadmanfar

Abstract

Criminology is a branch of criminal science that aims to scientifically and objectively analyze the causes and factors of biological, psychological and social emergence of crime, to prevent crime and to correct and treat criminals. The legislator has influenced the formulation and adoption of related criminal laws and derived from the teachings of criminology in the field of sanctions and punitive damages, and to some extent the doctrines of criminology have entered into such laws. The purpose of this research is to investigate the role and influence of criminology findings in the development of some issues of criminal law by looking at the laws, penal provisions of Iran and familiarity with numerous criminal changes in this area. The research method in this paper is descriptive-analytical. The main question of the research is whether criminal investigations have been effective on Iranian criminal law? The results of the research show that although criminal law has affected many aspects of criminal law, due to the features of punitive punishment, qisas and diyat, and the conditions for the confirmation and execution of relevant offenses and the execution of punishment, the above-mentioned teachings No attention has been paid to Islamic theological thinkers in their efforts to institutionalize and update them in light of the achievements of the day of criminology.

Key words: criminology, crime, delinquent, victim, criminal law.